

## از میان اوراق میرزا حسنعلی خان نائینی

(مستوفی مخصوص سرکاری و منشی باشی ظل السلطان)

به کوشش علیرضا ابراهیمی جعفری

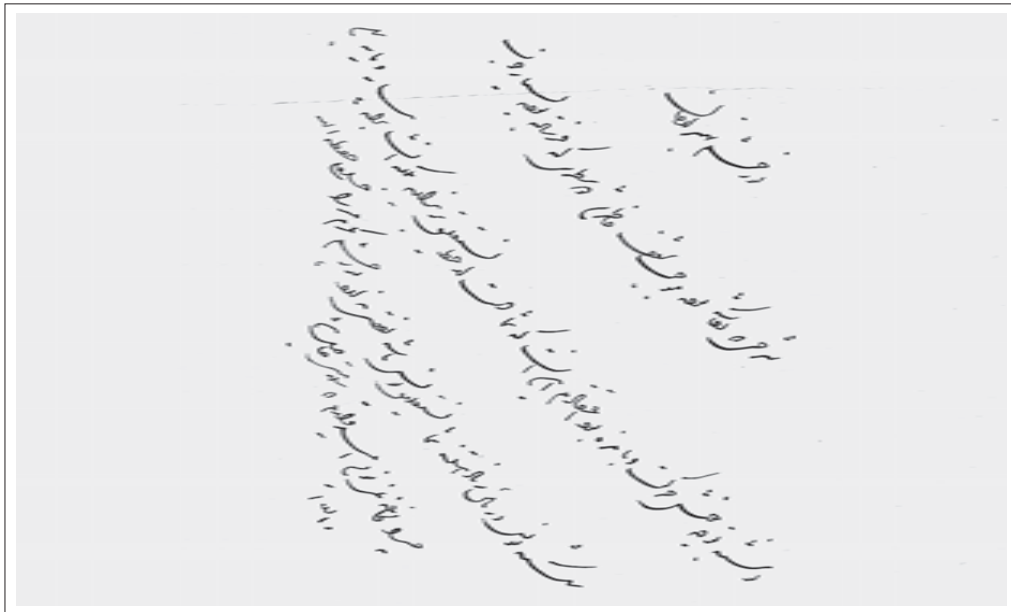
در میان مجموعه اسناد نگارنده، بخش قابل ملاحظه‌ای از اوراق معتمدالسلطان میرزا حسنعلی خان حسینی نائینی خلف محمدعلی خان وزیر که به عنوان مستوفی مخصوص سرکاری و منشی باشی شاهزاده ظل السلطان مسعود میرزا فعالیت داشته موجود است. مقداری از این اسناد در شماره‌های پیشین نامه بهارستان ارائه شد. در این شماره تعداد دیگری که مرتبط با موضوعات نسخه‌شناسی است معرفی می‌گردد.

میرزا حسنعلی خان در خوشنویسی و حسن خط از اساطین عصر خویش بود و به «خوشنویس» اشتهار داشت. نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و به جهت موقعیت شغلی و منصبی و نگارش احکام و فرامین درباری جایگاه ویژه‌ای داشت. آثار خوشنویسی وی در زمان حیاتش نیز ذی‌قیمت بود. از دیگر اطلاعاتی که بر اساس اسناد باقی مانده از او معلوم می‌شود این است که میرزا حسنعلی خان دارای تألیفاتی از جمله تاریخ نائین و مجموعه اشعار بوده است. متأسفانه جز چند ورق از کتاب تاریخ نائین و اوراقی پراکنده از اشعارش که نزد نگارنده است، چیزی از آنها به جا نمانده است.

﴾

شکسته نویسی زیاد است، نستعلیق نویسی باشید!

نور چشم بهتر از جان، شرحی که نگاشته بودید موجب شغف خاطر شد. دو سطر که فرستاده بودید بسیار خوب نوشته بودید. خوش حرکت و بامزه بود. اعتقاد این است که شما دست از خط نستعلیق برندارید بلکه انشاء الله به پایه و مایه برسید. شکسته نویسی در نائین زیاد هستند، شما نستعلیق نویسی باشید، نقصی ندارد. نور چشم مکرم میرزا حسنعلی - حفظه الله - چرا کاغذ نمی‌نویسد، امیدوارم که سلامتی حاصل باشد. والسلام. [سجع مهر در پشت کاغذ]: «ابوطالب الحسینی ۱۲۹۴».



■ نامه ابوطالب حسینی به میرزا حسنعلی درباره نستعلیق نویسی (از مجموعه شخصی علیرضا ابراهیمی جعفری).

## قرآن یک‌ورقی جلی مترجم

هو

فدایت شوم، پیروز حکایت قرآن در خدمت سرکار مذکور شد، حقیر سکوت کردم. از اول مقصودم بود که به شما اظهار نمایم، صحبت مذکور شد، ترکش کردم به جهت آنکه بدنما بود اگر بعد از گفتگوی قرآن حرف می‌زدم.

می‌خواستم به شما زحمت بدهم که اگر دارید در اینجا یک جلد قرآن یک‌ورقی جلی مترجم به حقیر التفات بفرمائید و اگر ندارید در دارالخلافه به جهت حقیر چنین قرآنی هدیه نمائید. چهار جلد قرآن دارم از التفات سرکار، لکن هر چهار خفی است؛ اگر شب بخوام تلاوت کنم مشکل است برایم. صبح‌های زود بخوام تلاوت کنم عسرت می‌کشم. چشمم ضعیف شده به خصوص امسال و در این اوقات ها که آن‌ها امید مرحوم شده که شبان‌روز دو سه مرتبه به هر وجهی از وجوه باشد اسباب رفت به هم می‌رسد. باری خداوند ان شاء الله نصیب احدی نفرماید [۰۰۰].

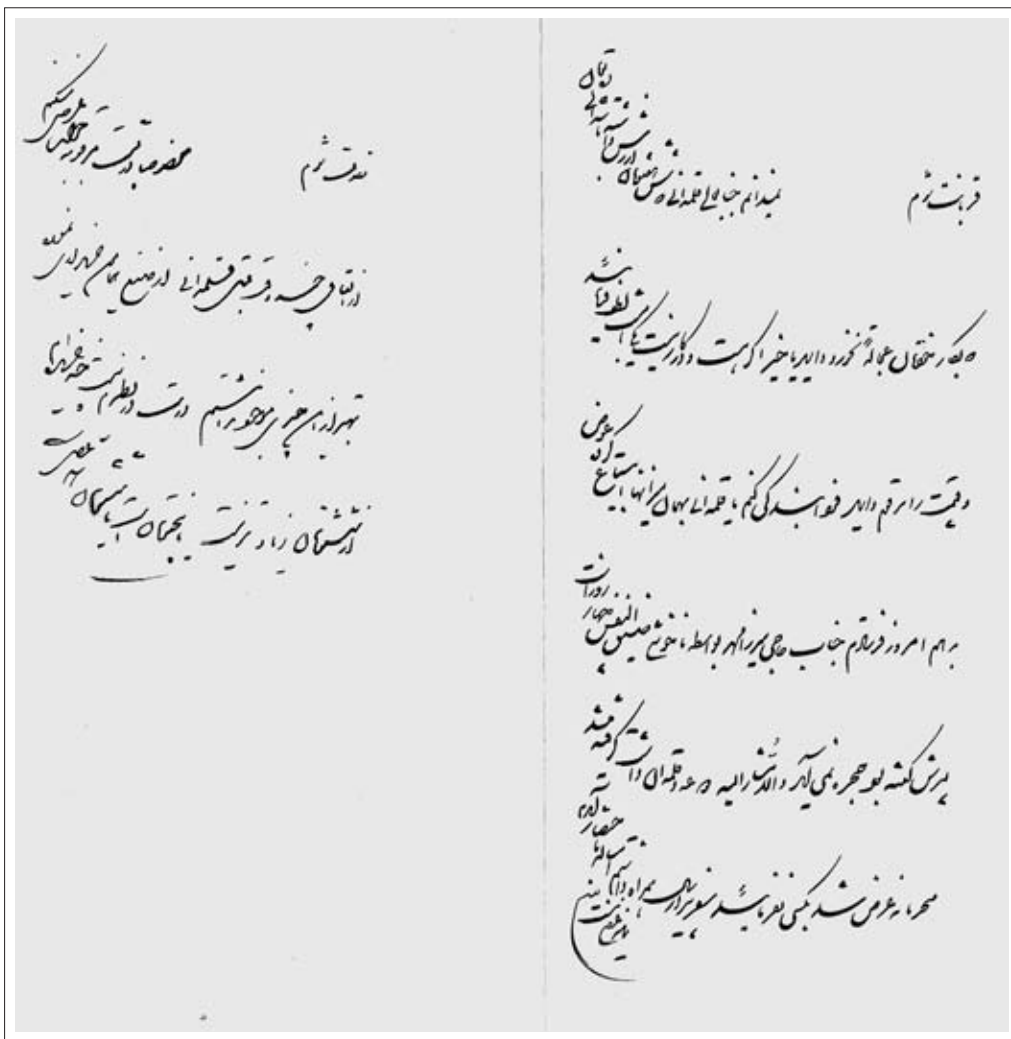


■ نامه متضمن درخواست قرآن یک‌ورقی جلی مترجم (از مجموعه شخصی علی‌رضا ابراهیمی جعفری).

قلمدان پنج شش تومانی صنایع همایون

قربانت شوم، نمی دانم جنابعالی قلمدانی که شش هفت تومان ارزش داشته باشد الی ده تومان که به کار خودتان عجاله نخورد دارید یا خیر، اگر هست و در کار نیست یکی امشب لطف فرمائید و قیمت را مرقوم دارید فردا بندگی کنم. یا قلمدانی به همان میزانها ابتیاع کرده عوض بدهم. امروز فرستادم جناب حاجی میرزا محمد به واسطه ناخوشی ضیق النفس چهار روز است پسرش گفته بود حجره نمی آید والا مشارالیه دو عدد قلمدان داشت گرفته می شد. محرمانه عرض شد، به کسی نفرمائید. سفر پیرارسال همراه داشتم، امساله به اختصار آمدم، زیاده عرضی نیست. [امضاء]

تصدقت شوم، مخصوصاً در پشت مرقومه جواب عرض می کنم. از اتفاق چند وقت قبل قلمدانی از صنایع همایون خریداری نموده، بهتر از این چیزی موجود نداشتم. درست در نظر نیست چند خریده ام. از شش تومان زیادتر نیست، یا پنج تومان است یا شش تومان. زیاده عرض نیست.

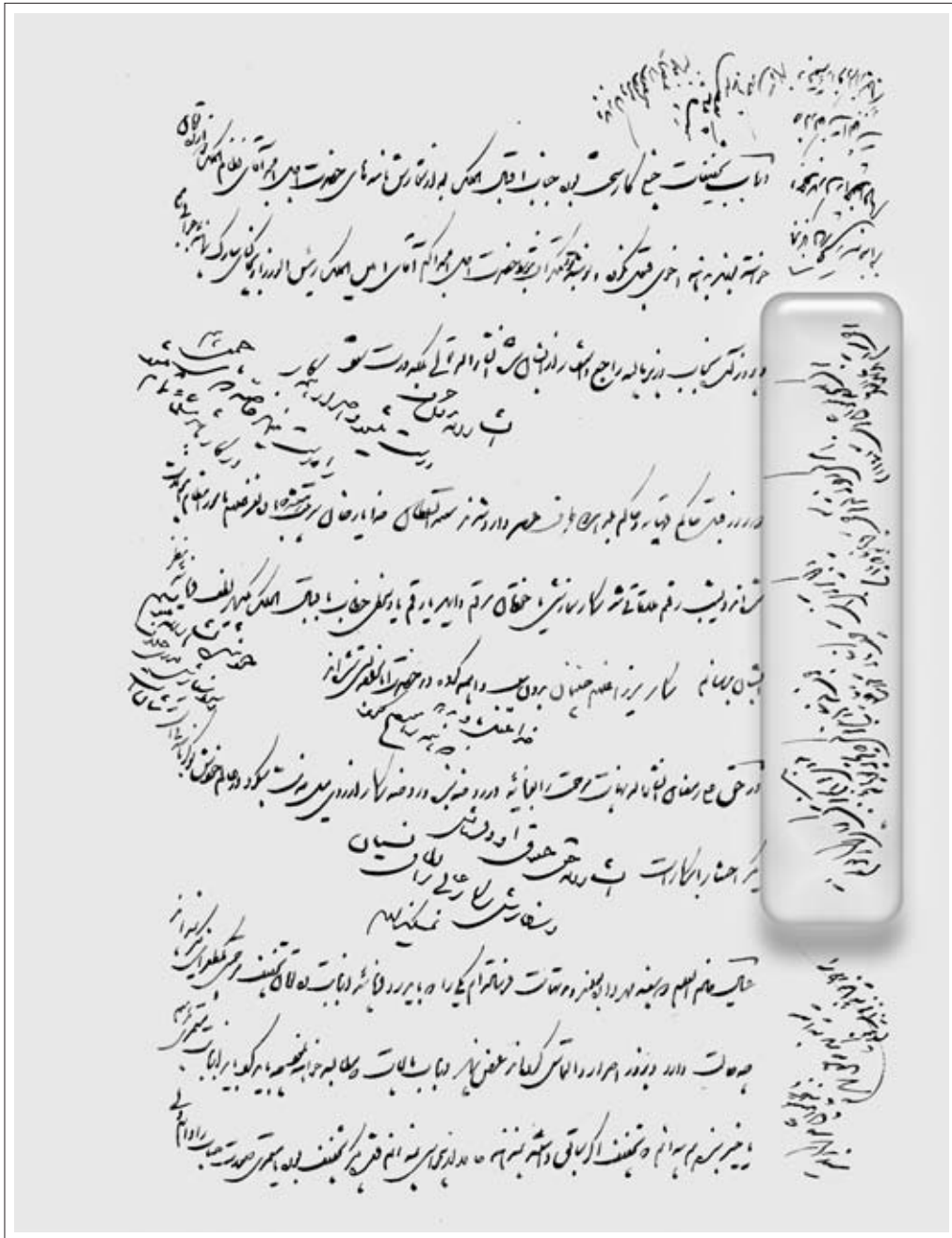


رو و پشت نامه، متضمن درخواست خرید قلمدان و پاسخ آن در پشت نامه (از مجموعه شخصی علیرضا ابراهیمی جعفری).

درخواست مرکب تبریزی، چه خشک چه تر!

[...] فدوی خواستم مرکب برای سرکار بفرستم خوب ... (۴). ازین مرکبی که تحریر می فرمائید و گویا تبریزی است خشک یا تر قدر قلیلی هرکس زودتر آمد مرحمت فرمائید که با این مرکب به هیچ وجه نمی توان نوشت. باقی ایام مرحمت مستدام (۴) ... (۴) اللّٰه.

[پشت سند]: [...] مرکب تبریزی چیزی که قابل باشد نبود، در صدد تحصیل هستم. ان شاء اللّٰه زود می فرستم.



برگی از نامه، متضمن درخواست مرکب تبریزی (از مجموعه شخصی علیرضا ابراهیمی جعفری).



۵

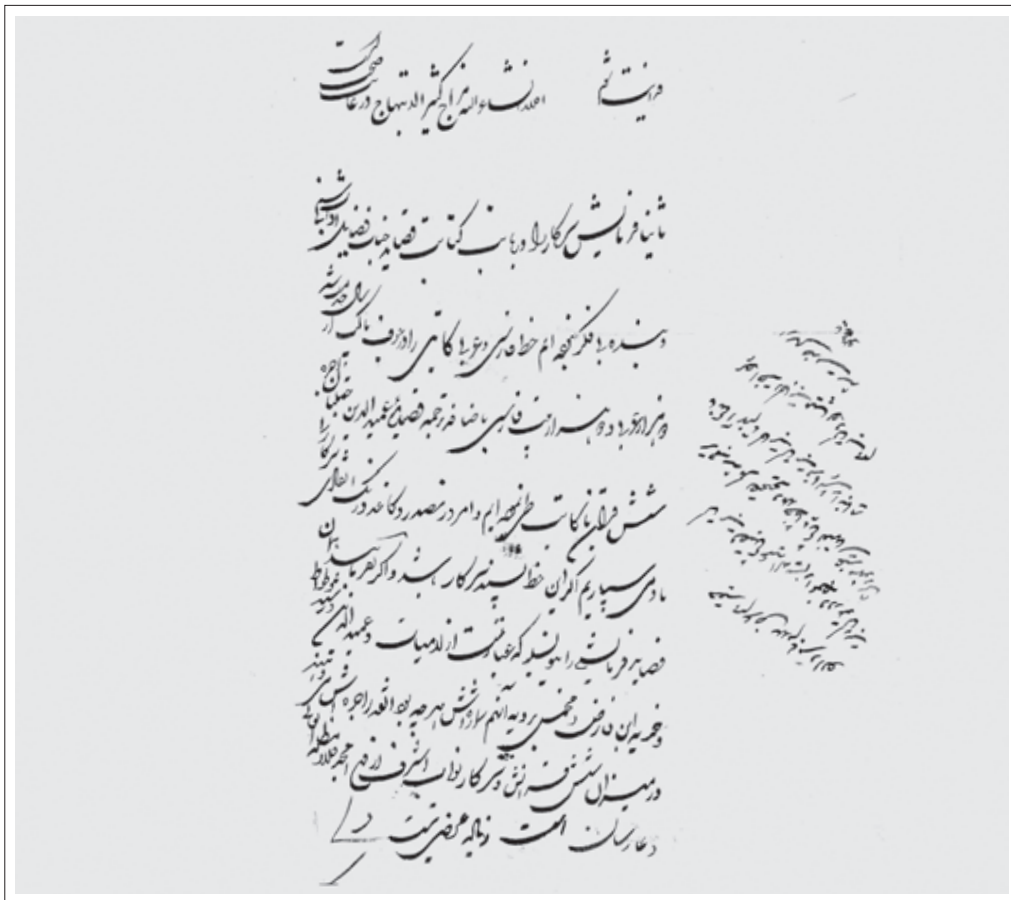
اجرت بیت نویسی عربی و فارسی

فدایت شوم، اولاً انشاءالله مزاج کثیرالابتهاج در غایت صحت است؛ ثانیاً فرمایش سرکار را در بابت کتابت قصاید جناب فضایل آداب شیخ و بنده بی فکر نبوده ایم. خط فارسی و عربی کاتبی را در جوف پاکت ارسال خدمت شد، دو هزار عربی و دو هزار بیت فارسی به اضافه ترجمه قصیده عمیدالدین حبلتان (۴) اجرت شش قران با کاتب طی نموده ایم و امروز مصدر (۴) و کاغذ و رنگ انفادی سرکار را به او می سپاریم. اگر این خط پسند سرکار باشد و اگر بفرمائید همان قصاید فرمایشی را بنویسد که عبارتست از لامیات و عمیدالدین و رشید و طواط و خمیره ابن فارض و مخمس بردیه (۴) آن هم شماره اش هرچه بود آنقدر اجرت اش می دهند در میزان شش قرانش و سرکار نواب اشرف ارفع امجد والا مظله [کذا] العالی دعا رسان است. زیاده عرضی نیست.

[امضا]

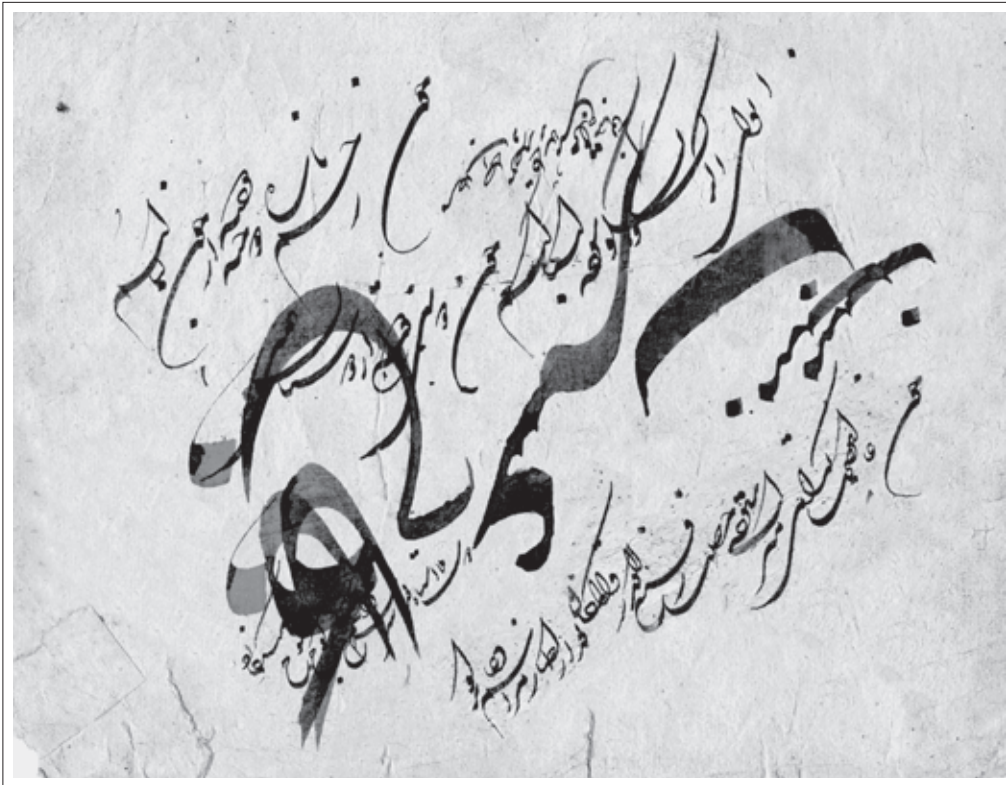
[حاشیه]: حقیر هم عرض سلام بی مرّ دارد. کتابت قصیده عمیدالدین را نموده و در تلو کتابت ترجمه شد مگر تصحیح و ملاحظه پاره‌ای لغت‌های غیر مشهورش مانده آن هم تا کاتب کتابت فرمایش را بنماید پرداخته به کاتب می سپارد و کتاب هم ارسال خدمت شد.

یا علی مدد



■ نامه متضمن برآورد هزینه بیت‌نویسی عربی و فارسی (از مجموعه شخصی علیرضا ابراهیمی جعفری).





■ از نمونه خطوط میرزا حسنعلی خان نائینی (از مجموعه شخصی علیرضا ابراهیمی جعفری).

*Nameh-ye Baharestan: vol. 10, 2009, ser. no. 15*

### Among the Papers of Mīrzā Ḥasanʿali Khān of Nāʿīn

Alireza EBRAHIMI JAFARI  
(Tehran)

This paper is devoted to the study of a number of documents among the papers of Mīrzā Ḥasanʿali Khān of Nāʿīn, who served as the special secretary to prince Z̄ell al-Solṭān. These documents are related to manuscripts or issues connected to Qājār manuscripts in one way or another.

The first item is a letter that encourages the addressee to devote himself to improving his Nastaʿlīq style, because too many calligraphers in the city of Nāʿīn already specialize in the Shekasta technique. The second item is a request for a copy of the Quran in large letters for reading at night. The third letter is a response to a purchase request by an applicant who wanted a pen box valued at six or seven tumāns. It indicates that another pen case of slightly less value was purchased from Sanīʿ-Homāyūn and sent to him instead. The fourth letter is a request for some Tabriz ink, and the fifth indicates the rate of pay for copying in Persian and Arabic.

